

سرمقاله

ادامه از صفحه یک: خدمات راوداد و همچنین تهدیدواشنگتن برای آزادی کشیش بازداشت‌شده در ترکیه به‌اختلاف‌های جدی خورده‌اند، اما مطرح‌شدن آزادی این کشیش، تنش میان آنکارا و واشنگتن را بیشتر کرد و پس ازآنکه ترامپ در پیامی که در حساب توئیتری خود منتشر کرد ا صدور مجوزافزایش دوبرابری تعرفه گمرکی واردات فولاد و آلومینیوم از ترکیه خبر داد، ارزش واحد پولی ترکیه در مقابل دلار با سقوط ۱۹ درصدی مواجه شد.بسیاری ازتحلیلگران معتقدنددر سایه‌رفویشی شدیدارزش لیره ترکیه در مقابل دلار، اردوغان درنهایت تسلیم شروط و خواسته‌های آمریکا خواهد شد و کشیش آمریکایی را آزاد خواهد کرد؛ زیرا اقتصاد ترکیه تحمل تحریم‌های اقتصادی که ترامپ اعلام کرد، ندارد و این تحریم‌ها باعث خروج سرمایه‌گذاران از این کشور خواهد شد؛ اما دلیل اصلی تنش میان این دو کشور چیست؟ باید گفت آمریکا بر این باور است که اردوغان در حال خروج از مدار نفوذ این کشور است، به‌همین علت موضوع آزادی برانسون را مطرح کرده‌است. واشنگتن همچنین درباره بهبودروابط ترکیه با روسیه و ایران و نیز موضع نسبتا مستقل آنکارا در قبال سوریه راضی نیست. نزدیکی دولت ترکیه به روسیه موجب نااحتی غرب از جمله آمریکا شده‌ است. پس از کودتای ۲۰۱۶ در ترکیه، دولت اردوغان با کسالتی که تصور می کرد در این کودتا نقش داشته‌اند، بر خورد جدی وعضاخشنی کرده‌چنان‌که در این برخورد‌ها اصول حقوق بشری موردنظر اروپا و آمریکا به‌عنوی زیر پا گذاشته شد، فضای بسته‌ای برای رسانه‌ها ایجاد شد و همین تحولات و فشار اروپا و آمریکا به ترکیه باعث شد که دولت آنکارا به‌سمت ایران و روسیه گرایش بیشتری پیدا کند؛چنانکه‌می بینیم هر سه کشور در حال حاضر درباره سوریه به‌به‌صورت نسبتاً هماهنگی عمل می کنند. در این مقطع دولت آنکارا برای اینکه اهمیت خود را به غرب نشان دهد، نزدیکی هرچیشتر به روسیه و ایران را انتخاب کرد. در پی تیرگی روابط ترکیه و آمریکا، دولت واشنگتن تحریم‌هایی علیه آنکارا وضع کرد؛چنانکه اکنون این کشورو نیز در کنار ایران و روسیه به عضویت باشگاه تحریم‌شدگان از سوی آمریکا درآمده‌ است؛ اما در پاسخ به این پرسش که نتیجه این تنش چه می‌شود؟ باید گفت اردوغان در مقاطع بحرانی مختلف نشان داده که فردی سازش‌پذیر است و از اصول خود عقب‌نشینی می کند؛ به‌عنوان مثال، در جریان درگیری ایجادشده بین روسیه و ترکیه، آنکارا به‌خاطر وابستگی گازی که به ترکیه داشت مجبور به سازش با دولت روسیه شد و از مواضع قبلی خود عقب‌نشینی کرد. از طرف دیگر گرچه در حال حاضر نیز اردوغان اعلام کرده است که اگر آمریکا دلار دارد، در ترکیه خدا را نیز دارد، ولی قطعا بیان این سخنان کافی نیست و اردوغان باید به افکار عمومی ترکیه پاسخ دهد تا آنان را از دولت خود راضی نگه دارد. در مقطعی که ترکیه با قریس دچار مشکل شد و این موضوع بر مسائل پولی و بانکی وارداتش شد. در جریان این تجمع، پلیس امنیت فرماندهی انتظامی تهران بزرگ اقدام به بازداشت تعدادی از تجمع کنندگان کرد. گفته شده علاوه بر قاسم شعله سعیدی، آرش کیخسروی، محمد نوریزاد و مسعود جوادیه نیز بازداشت شدند. شعله سعیدی در پیامی ویدئویی اعلام کرده بود که به پیروی از محمد مصدق برای مقابله باظطارات استعمولی در میان بهارستان حاضر خواهد شد تا از انتخابات آزاد در ایران دفاع کند.

به توافق برسد و سازش کند. در آخر می توان گفت هر چند اکنون میان ترکیه و آمریکا بحثی جدی مطرح است، اما در نهایت این دو کشور در قالب و چارچوب‌های مختلف با یکدیگر دارای پیوند و بستگی‌های استراتژیک هستند. هر چند سیاست نوحفاظله کاران مستقر در کاخ سفید اکنون بر مبنای تهدید و واگرایی با متحان سنتی قرار دارد، اما این امر با توجه به چسبندگی‌های موجود در مواقع حساس و تصمیم‌گیری‌های غایی می‌تواند به میزان زیادی تعدیل شود. نمونه چنین مسئله‌ای را می‌توان در بحران میان مسکو و آنکارا به‌سبب ترور سفیر روسیه در ترکیه مشاهده کرد، جایی که این مسئله و موضوع ساقط‌شدن هواپیمای جنگنده روسی توسط ترکیه امری رفت تا چالش‌های جدی در روابط دو کشور ایجاد کند و حتی روسیه تحریم‌های سنگینی را علیه ترکیه وضع کرد، اما طبق شواهد موجود در همان اوج سردی روابط میان دو کشور، در حدود ۳۰میلیارد دلار مرادات اقتصادی و مالی میان مسکو و آنکارا در جریان بود که باعث شد دو طرف به‌رم مواضع تند و گلاخ‌خمنه علیه یکدیگر به میزان زیادی این تنش‌ها را مدیریت و واگرایی‌ها را تعدیل کنند. بنابراین در موضوع تنش میان ترکیه و آمریکا نیز این امر کاملاً صلیق بود و هر چند ممکن است طی روزهای آتی بر شدت این دو افزوده شود، اما در نهایت لازم است این امر را در بستر واقع‌گرایی حاکم بر روابط بین‌الملل سنجنید و تحلیل کرد.

استخوان‌های مردم زیر بار فشارهای اقتصادی خرد شده است

فاطمه هاشمی، فرزند آیت‌اله هاشمی: مسئولان نباید وقت و انرژی خود را صرف لجبازی با یکدیگر کنند. بدون شک دود لجبازی مسئولان در نهایت به چشم مردم و نظام خواهد رفت. مشکل دیگر امروز ما در اداره امور کشور موضوع بسیار حیاتی مهر همدی کشور از یک تفکر مدون و استراتژی ملی و بین المللی است تا ضمن ممانعت از اقدامات جزیرهای دولت‌ها، سبب پیوستگی سیستماتیک در کار کرد قوا و به‌خصوص در نظام اداری و اجرایی کشور شود. به‌صراحت عنوان می‌کنم که استخوان‌های مردم زیر بار فشارهای اقتصادی خرد شده و اکنون سفره اقشار ضعیف جامعه به‌شدت متزلزل است.



راحیل رحمانی | گروه سیاست
rahilrahmani@gmail.com

همه منتظر افشاسازی هستند؛ اما کسی دقیقاً نمی‌داند قرار است درباره چه چیزی یا چه چیزهایی افشاگری صورت بگیرد و پرسش مهم تر اینکه آیا قرار است باز هم یکشنبه سیاه و داستان مجلس واحمدی‌نژاد و فاضل لاریجانی وقیلم و... تکرار شود؟

اخیراً احمد امیرآبادی فراهانی، عضو هیئت‌رئیسه مجلس، درباره زمان حضور حسن روحانی در مجلس برای پاسخ به پرسش‌های نمایندگان مجلس، گفته‌بود که بنده به‌صورت غیررسمی شنیدام که معاون پارلمانی رئیس‌جمهور روز سه‌شنبه ششم شهریورماه را به آقای روحانی جهت حضور در مجلس پیشنهاد داده و رئیس‌جمهور به‌صورت تلویحی پذیرفته است. معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری اما خبر نماینده قم درباره زمان حضور رئیس‌جمهوری در مجلس شورای اسلامی را تکذیب کرده و گفته‌است: «هن با آقای امیرآبادی یا اعضای هیئت‌رئیسه مجلس شورای اسلامی و هیچ‌کدام از نمایندگان درباره زمان حضور رئیس‌جمهوری در مجلس شورای اسلامی صحبتی نکرده‌ام. منشأ خبر امیرآبادی، نمی‌دانم از کجاست و خودشان در این باره باید پاسخگو باشند».

■ ■ ■

خیلی‌ها منتظر بودند که رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی زنده تلویزیونی از ناگفته‌ها بگوید، ناگفته‌هایی که اطرافیان‌ش می‌گویند به‌خاطر مصلحت از گفتشتن حذر می‌کند.

چرا همه منتظر افشاگری رئیس‌جمهور در مجلس هستند؟

معمای مگوهای روحانی



در گفت‌ووی تلویزیونی اما به‌جز برخی حرف‌های تکراری و همیشگی و وعده‌های نه‌چندان امیدوارکننده چیزی نشنیدیم. پس از آن روحانی اعلام کرد که قصد دارد با حضور در مجلس ناگفته‌هایی را مطرح کند و حالا با نزدیک‌شدن به روز موعود برخی نمایندگان تندرو اصول‌گرا معتقدند که اگر روحانی دست‌به‌افشا بزند، صرفاً یک اقدام پوپولیستی انجام داده و تنها اوست که متضرر خواهد شد و شاید یک یکشنبه سیاه رقم بخورد. به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور تمایلی به حضور در بهارستان آن‌هم در شرایط فعلی کشور ندارد و این عدم‌تایل را در نامه به رئیس‌مجلس اعلام کرده؛ اما در عین‌حال گفت که باوجوداینکه طرح سؤال را غیرقانونی می‌داند و زمان آن‌هم مناسب نیست، اما برای بازگو کردن حقایقی، به مجلس می‌رود. درواقع گفت که با حضور

در مجلس می‌خواهد یک‌سری مسائل را شفاف‌سازی کند. این همان چیزی است که اصلاح‌طلبانی چون زیباکلام و برخی اصول‌گرایان معتدل مثل علی مطهری بسر آن اصرار دارند و می‌گویند روحانی باید درباره مشکلات کشور به‌طور شفاف و بدون محافظه‌کاری با مردم و نمایندگان صحبت کند، مشکلات و موانع را بگوید و دست‌ازسکوت بردارد. درواقع این عده عقیده دارند که روحانی شرایطی قرار دارد که چاره‌ای جز اظهارات شفاف ندارد. کلی‌گویی و محافظه‌کاری باعث شده است جایگاه رئیس‌جمهور نزد افکار عمومی وضعیت نامطلوبی پیدا کند؛ بنابراین حالا همه منتظر هستند که روحانی به بهارستان برود و حرف بزند؛ اما همچنان مشخص نیست که او چه رویکردی را در دستور کار قرار خواهد داد.

صادق زیباکلام می‌گوید: «آقای روحانی راجع به خیلی مسائل اصلاً صحبت نمی‌کند. ایشان گویی با یک‌مشت بچه صحبت می‌کند. واقعاً برای من سؤال است که تصور آقای روحانی از مردم چیست؟» احمد بیگی، عضو فراکسیون نمایندگان ولایی هم با بیان اینکه روحانی باید در جلسه سؤال از رئیس‌جمهور پاسخگوی سوءتدبیرها در دولت باشد، گفته‌است: «تهدید مجلس به افشاسازی اقدامی در جهت انحراف افکار عمومی است.» ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصول‌گرا هم می‌گوید: «راستش من اصلاً متوجه نمی‌شوم که افشاگری درباره چه مسئله‌ای؟ یعنی باید اول مشخص شود که آقای رئیس‌جمهور می‌خواهد چه موضوعی را افشا کند و درباره چه کسانی و گروه‌هایی صحبت کند. چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند که پشت درها یک‌سری در دیگر است و همه مسائل یک‌سری موضوع خفگی دارند. به

گفت‌وگوی پشت‌پرده‌ای میان ایران و آمریکا وجود ندارد

سیدحسین موسویان، دیپلمات پیشین کشورمان: در ایران مقام معظم رهبری تصمیم‌گیرنده نهایی است؛ همان‌طور که در آمریکا ترامپ تصمیم‌گیرنده نهایی است؛ بااین تفاوت که اختیارهای رئیس‌جمهور آمریکا بیش از اختیارهای رهبر عالی ایران است. در جریان مذاکره‌های هسته‌ای، رهبر عالی ایران اعلام کرد که اگر توافقی صورت گیرد و آمریکا به تعهداتش عمل کند، زمینه‌برای گفت‌وگوراجع به سایر مسائل همچون موضوع‌های منطقه باز خواهد شد. اگر آمریکا واقعاً مایل به گفت‌وگو با ایران است باید برجام را اجرایی کرده؛ اما اکنون بانقض برجام برای جامعه جهانی ثابت شد که اصولاً سیستم حکومتی آمریکا قابل‌اعتماد نیست؛ چون هر رئیس‌جمهوری می‌تواند توافق‌ها و تعهدهای بین‌المللی رئیس‌جمهور قبلی را لغو کند. در حال حاضر هیچ گفت‌وگوی پشت‌پرده‌ای میان ایران و آمریکا وجود ندارد.



سیاست Policy

نظر من این صرفاً تزریق توهم به جامعه‌است که القا کنیم حرفی برای گفتن و رازی برای افشا وجود دارد؛ زیرا اصلاً موضوعی در سطح کلان وجود ندارد که آقای رئیس‌جمهور بخواهد آن را افشا کند؛ البته ممکن است در مسائل جزئی موضوعی باشد؛ اما هیچ موضوعی در سطح کلان برای افشا وجود ندارد. «ایمانی معتقد است روحانی به‌هیچ‌عنوان شبیه احمدی‌نژاد نیست و قطعاً مصالح نظام و کشور را در اولویت قرار می‌دهد. مرتضی مبلغ، معاون سیاسی وزیر کشور در دولت اما اعتقاد دارد نمایندگان به‌طور کلی زمان مناسبی برای سؤال از رئیس‌جمهور انتخاب نکرده‌اند: «مابندگان به‌خوبی می‌دانند که بخش عمده مشکلات موجود در کشور به‌طور مستقیم به دولت مربوط نمی‌شود و برخی به دلایل فشارهای بیرونی است، برخی به‌دلیل کارشکنی برخی گروه‌ها است و تنها یک‌بخش مربوط به دولت و سیاست‌هایش است.» مبلغ در عین‌حال تأکید می‌کند: «مردم منتظر شنیدن توضیحات شفاف و واضح هستند. آنان نمی‌خواهند دوباره شاهد کلی‌گویی باشند و رئیس‌جمهور مانند دفعات قبل که در تریبونی در اختیارش قرار می‌گیرد، شعارنونه‌صحبت کند».

این فرصت برای رئیس‌جمهور چیزی شبیه دوتا پانزده‌دقیقه‌وقت طلایی در فوتبال است. امیدواریم به پتانلی نکشد. روحانی حتماً می‌داند شاید این آخرین فرصت باشد برای آنکه حداقل به تعداد رای‌دهندگان که سال گذشته در ایام تبلیغات انتخابات دوازدهم، مع‌چند بنفش بستند و حالا پشیمان‌اند، افزوده‌شود!

ذره‌بین

وقتی «علم‌الهدی» عاشق تئاتر بود!

نحوه فوت آن مرحوم باشد که برای بسیاری از آذهان به‌صورت یک معما باقی مانده‌است. درواقع مفهوم این شعار این است که آقای رئیس‌جمهور، ما همان‌طور که سر آقای هاشمی را زیر آب کریم دست‌ورما زیر آب خواهیم کرد. وزارت اطلاعات باید این موضوع را پیگیری و نتیجه را به اطلاع ملت برسانند. شاید ماجرای فوت ناگهانی و غیرقابل‌یاور رئیس‌فقیذجمع تشخیص مصلحت نظام نیز روشن شود.»

هفته گذشته هم‌زمان با برگزاری دوره معرفتی «ضیافت رضوی» در مشهد، جمعی از جوانان بااحمد علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد دیدار و گفت‌وگو کردند. این جلسه اگرچه با دعوت از رسانه‌ها همراه نبود، اما صفحه‌اینستاگرامی alamolhoda.comاطلوعال روزهای گذشته، ویدئویی دو بخش از این دیدار را منتشر کرد. در بخشی از این گفت‌وگو امام‌جمعه مشهد می‌گوید که زمانی در تئاتر فعالیت می‌کرده و به‌دنبال نوشتن پيس‌های تئاتر بوده‌است!

رها عظیمی: واکنش‌ها به حاشیه‌های تجمع اخیر در مدرسه فیضیه قم همچنان ادامه دارد، تجمعی که در آن، برخی از طلاب پلاکاردهایی با شعارهای عجیب‌وتسند و توهین‌آمیز علیه رئیس‌جمهور در دست گرفته بودند. در همین راستا هم علی مطهری نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار پیگیری این موضوع از سوی وزارت اطلاعات شد. مطهری در یادداشتی که در اختیار رسانه‌ها قرار داد و متن آن را در کانال خود هم منتشر کرد، نوشت: «... شعارهایی که در تجمع مدرسه فیضیه قم سر داده شد با روی تابلوها حمل می‌شد، نشان می‌دهد که لااقل بخشی از حوزه علمیه قم از نظر بینش اجتماعی و سیاسی دچار انحطاط شده‌ است. تأسف بیشتر زمانی به انسان دست می‌دهد که می‌بیند یکی از شعارهایی که روی تابلو حمل می‌شد، این بود: ای آنکه مذاکره شعات! استخر فرح در انتظارت! (شاره به رحلت آیت‌اله هاشمی‌رفسنجانی). این شعار می‌تواند سرنخی برای

عکس‌نوشت



فرمانده‌ای که گذاشته‌است!

مردی که در سالیان دراز سری‌ترین عملیات برون‌مرزی نظامی را برای پنتاگون انجام داده، امروز دیگر آخرین مأموریت او این است که توسط پلیس بازداشت‌نشود. «سرهنگ دوم بیل کولن»، از فرماندهان پنتاگون بود که سال‌های زیادی را هم در عراق به‌سربرد و عملیات‌های زیادی را فرماندهی کرد. پرونده کولن منحصربه‌فرد است. دوران اقول کولن در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵ فرا رسید. او در آن روز برای غافلگیر کردن کوچک‌ترین دخترش به مدرسه او در لیزبورگ ویرجینیافت تابا و ناهار بخورد؛ اما دو افسر پلیس او را در مقابل مدرسه دخترش بازداشت کردند. کولن ۴۵ روز را در بازداشتگاه بزرگ سالان منطقه لودون گذراند. او ۲۷۳۰۰ دلار به‌همسر سابقش بدهکار بود. در آن زمان، وزارت دفاع، رابط‌ش با کولن را قطع کرد. کولن می‌گوید او اکنون برای اجتناب از بازداشت دوباره، در یک جایی در غرب آمریکا در یک آپارتمان بی‌اثاث زندگی می‌کند. مردی که عملیات خارجی برخطری انجام می‌داد امروز مأموریت آخرش را انجام می‌دهد؛ فرار از پلیس.

خارج از گود سیاست

یک گروه‌ناهماهنگ

نومحافظه‌کار!

آواصد: «گروه اقدام ایران» این روزها مورد توجه قرار گرفته است. وزارت خارجه آمریکا اخیراً این گروه را تشکیل داده است. مایک پومپئو هدف از تشکیل این گروه را هماهنگی و اجرای سیاست ایالات‌متحده در برابر ایران با هدف تغییر رفتار جمهوری اسلامی عنوان کرده است. پومپئو براین ه‌وک، مشاور ارشد وزیر خارجه و مدیر برنامه‌ریزی سیاست‌های وزارت خارجه را به‌عنوان نماینده ویژه در امور ایران و رئیس گروه‌اقدام ایران معرفی کرده است. فعلاً درباره این گروه اطلاعات بیشتری در دست نیست. تنها وزیر امور خارجه آمریکا وظیفه ه‌وک را تلاش برای اجرای راهبرد فشار حداکثری دیپلماتیک و اقتصادی ضد ایران اعلام کرده‌است. ه‌وک، رئیس گروه اقدام ایران هم گفته‌است: هدف این گروه تلاش در سطح جهانی برای تغییر رفتار ایران است؛ اگر ایران به تغییر بنیادین رفتار خود تمهذ نشان دهد، می‌توان از گفت‌وگو با ایران سخن گفت. رئیس گروه اقدام ایران همچنین با اشاره به هدف آمریکایی‌ها به‌صفررساندن واردات نفت ایران تا چهارم نوامبر گفت، ایالات‌متحده به پایبندی کشورها به این مسئله امیدوار است.

اما تشکیل این گروه و چرایی تشکیل آن و هدف دولت آمریکا از طراحی یک برنامه جدید علیه ایران، پرسشی است که پاسخ‌های متفاوتی می‌توان برای آن پیدا کرد. آمریکا یکی از مدت‌ها پیش جنگ علیه ایران را شروع کرده‌اند. ممانعت از ورود ایرانیان به آمریکا، تحریم ایران، تحریم‌های ثانویه برای جلوگیری از معامله دیگر کشورها برای جلوگیری از فعالیت ایران و ... حالا تشکیل گروه اقدام ایران که نشان می‌دهد دونالد ترامپ می‌خواهد تهدیدهای خود را قدم به‌قدم پیش ببرد.

پومپئو گفته‌است که هدف از این گروه اعمال فشار است. برخی هم می‌گویند کار این گروه هموار کردن مسیر مذاکره با ایران است. برایان هوک هم می‌گوید هماهنگی در سطح سیاست‌گذاری است. در نهایت اما معلوم نیست که آیا این گروه به مقامات مافوق یعنی رئیس‌جمهور و سایر مقامات کاخ سفید هم می‌تواند دستور دهد که سیاست‌های آن‌ها درباره ایران با این گروه هماهنگ شود یا نه.

در اینکه قرار است فشار علیه تهران افزایش پیدا کند، شکی نیست؛ اما همین ناهماهنگی‌ها کافی است تا متوجه شویم پومپئو و نومحافظه‌کاران در کاخ سفید با در مجموعه نظام تصمیم‌گیری آمریکا دنبال این هستند که از طریق این گروه هماهنگی تأثیرگذار خود را بر تصمیم‌گیری‌های ترامپ افزایش دهند یا به معنای ساده‌تر ترامپ را کنترل کنند. به هر حال آنچه میان ترامپ و رهبر کره شمالی گذشت، به مذاق نومحافظه‌کاران خوش نیامد؛ حالا آنان نگرانند در رابطه با ایران هم تاریخ تکرار شود. اتفاقاً در این زمینه با تندروها و دلوپسان ایرانی، اشتراک‌نظر دارند!